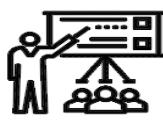




سرвис های
ویژه



سرвис ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

ترنکه آموزش



CONTRACT

Signature

اصول تنظیم قراردادها

ترنکه آموزش



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله
در تدوین و چاپ مقاله

مقاله نویسی علوم انسانی

اصول تنظیم قراردادها

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقاله

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴ (پیاپی ۴۲)
(ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی)

جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان*

دکتر خیرالله محمودی^{*}
مرکز آموزش عالی کازرون

چکیده

کاربرد عددها در باورهای مردم، جایگاه خاصی دارد؛ به گونه‌ای که بعضی از آن‌ها را، مقدس و برخی را شوم می‌پندارند.

عدد سه یکی از عده‌هایی است که در اعتقاد مردم مقدس بوده و در آیین‌ها به آن توجه خاصی شده است؛ اما اندیشه‌وران درباره اعتقادات مربوط به این عدد سخن نگفته‌اند.

در این مقاله که با عنوان «جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان» تهیه گردیده است تگارنده درباره ارزش عدد سه در فرهنگ و آیین مردم ایران زمین تحقیق کرده و سعی کرده است که شواهد معتبر از منابع مهم فرهنگی ایرانیان را برای اثبات تقدس این عدد ذکر کند.

واژه‌های کلیدی: ۱. عدد سه ۲. فرهنگ و آیین‌های باستانی ۳. عده‌های مقدس.

۱. مقدمه

فرهنگ و باورهای هر ملتی سرشار از شگفتی‌ها و زیبایی‌هایی است که با کند و کاو می‌توان به عجایب آن‌ها پی برد. این اعتقادات همراه با زندگی انسان به وجود آمده و رشد کرده است، و با گذشت زمان آب و رنگ گرفته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است: به طوری که گاه این باورها هویت ملتی را تشکیل می‌دهد.

فرهنگ قوم ایرانی مجموعه باورها و سنت‌های مردمی است که از دیرباز آن را خلق کرده و در طول اعصار زنده و پا بر جا گذاشته‌اند.

آداب و رسوم ملت ایران، دارای ارزش‌ها و نوادری‌هایی است که، با جستجو در آن می‌توان به عظمت آن پی برد. با این بینش، مقاله حاضر که درباره اعتقاد مردم ایران نسبت به عده‌ها می‌باشد، تهیه شده است.

۲. پیشینه تحقیق

عدد، مقوله‌ای است که انسان با آن در طول دوران زندگی خود سرو کار داشته و از آن به عنوان وسیله‌ای برای برآورده کردن نیازها و ادامه زندگی استفاده کرده است، این عده‌ها از زمانی که انسان، اشیای اطراف خود را شناخته است خلق شده‌اند، نیکوماکس و فیلولاتس از شاگردان فیثاغورث اعتقاد دارند که «هر چیز که بتوان آن را شناخت عدد دارد، زیرا ممکن نیست بدون عدد چیزی را درک کرد و شناخت» (نشاط، ۲۵۹: ۱۳۶۸). عده‌ای بر این باورند که «عدد نماینده ساختمان بنیادی نظام کیهانی است. در یکی از متون فیثاغورثی آمده است که عدد راهنمای و مرشد فکر انسانی است. اگر این قدرت وجود نداشت، کاینات تیره و مبهم باقی می‌ماندند. و ما در این جهان حقایق، زندگی

* استادیار زبان و ادبیات فارسی

نمی‌کردیم و در عالم نومیدی و توهمند به سر می‌بردیم، در عرصه عدها و فقط در عرصه عدها است که ما می‌توانیم معنی جهان را در کنیم» (ارنست کاسیرر، ۱۳۶۰: ۲۹۹).

انسان با گذشت زمان به مفاهیم و کاربرد اعداد، اعتقادات خاصی پیدا کرده، به گونه‌ای که برخی را شوم و بعضی را مقدس دانسته است.

توجه به عدها در آیین‌ها و زبان‌ها و یا عدم توجه به آن‌ها نشانه تقدس یا تنفر است؛ اما در نزد ملل و فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف، این باورها متفاوت است. برای نمونه، عدهای فرد در اساطیر چین، به سعد و فرخندگی یاد شده است، و آن‌ها را نشانه سفیدی و روز و درخشندگی و آتش می‌دانستند و در نزد فیثاغورثیان این عدها غیر قابل حل و مذکور بوده‌اند و ماهیتی آسمانی داشته‌اند، اما عدهای زوج برای مردم چین نحس و نامبارک و نشانه تاریکی و شب و سرما و ماده و آب و زمینی‌اند و در نزد فیثاغورثیان این گونه عدها گذرا و مؤنث و خاکی بوده است (همان، ۲۶۰).

در اعتقاد بابلی‌ها روزهای ۳ و ۱۶ لقب مشترکی داشتند که، معنی تعطیلی و استراحت می‌دادند و روزهای ۷ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۸ برای آن‌ها، نحس بوده و برای انجام بعضی کارها مناسب نبوده است (افشار، ۱۳۵۷: ۸۹).

۲۰ و ۴۰ عدهای نحس عربی بودند و ایرانی‌ها و بابلی‌ها شست و مضارب شست را با ارزش می‌دانستند و انجام کارها را در این روزها ترجیح می‌دادند (نشاط، ۱۳۶۸: ۲۵۸-۹).

درباره همسان و هماهنگ نبودن این گونه اعتقادات نسبت به عدها پوآنکاره می‌گوید «در حالی که ۱۰، ۷، ۳، ۱۰ و ۶۰ مورد نظر خاص بوده‌اند؛ در عمل می‌بینیم هر یک از عدها در جاهای مختلف و در دوره‌ای متفاوت مفهوم مقدس و مرموزی داشته‌اند، برای نمونه بابلی‌ها به هر یک از خدایان خود عددی کمتر از ۶۰ وابسته می‌کردند و این عدد مرتبه آن خداوند را در سلسله مراتب آسمانی نشان می‌داد، فیثاغورثیان مانند بابلی‌ها عدد را می‌پرستیدند، آن‌ها برای این که با فراموش کردن عددی آن را ترجیح‌اند به اغلب عدهای کمتر از ۵۰ منزلتی الهی نسبت داده‌اند» (نشاط، ۱۳۶۸: ۲۵۹).

عدد سیزده در فرهنگ ایرانی و برخی ملل دیگر نحس می‌باشد و تنفر آن‌ها نسبت به این عدد تا آن حد است که شماره منزل خود را به صورت (۱۲+۱) می‌نویسند، در حالی که این عدد در بعضی دوران‌ها به صورت مقدس و مبارک به کار رفته است، چنان‌که شاعری گفته است:

بسیار مبارک از برای بشر است	امریوز که روز سیزده از صفر است
حرفی است دروغ و صحبتی بی‌اثر است	هر گاه کسی گفت که نحس است این روز

(همان: ۲۶۵)

درباره این عدد در منابع فرهنگ باستانی آمده است که:

۱. عدهای روز سیزده فروردين را برخلاف تصور مردم، روز مبارکی می‌دانستند؛ زیرا در این روز دو فرزند کیومرث یعنی مشی و مشیانه با هم پیمان ازدواج بستند و ازدواج آن‌ها، با گره زدن دو شاخه مورد انجام شد (رضایی، ۴۸۹). (۱۳۶۸).

۲. در سیزده فروردين جمشید شاه به صحراء می‌آمد و خرگاه بربا می‌کرد و بارعام می‌داد و چندین سال متولی این کار را انجام داد که، در ایران به صورت سنت در آمد (همان: ۴۹۰).

۳. بنابر اساطیر ایرانی، عمر جهان هستی ۱۲ هزار سال است که، پس از پایان این مدت، با ظهور سوشیانت، پیروزی اورمزد و ریشه کن شدن اهریمن مسلم می‌شود، شاید نخستین دوازده روز جشن در اول فروردين شانه زایش‌هast و روز سیزدهم، تمثیلی از هزاره سیزدهم و آغاز رهایی از جهان مادی است (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۶۵).

درباره بعضی از عدهای مقدس مطالبی به صورت کتاب و یا مقاله منتشر گردیده است برای نمونه، درباره عدد هفت تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است از جمله:

۱. هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری تألیف زهره والی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
 ۲. هفت در قلمرو فرهنگ جهان تألیف مؤید شریف محلاتی، سال ۱۳۳۷.
 ۳. هفت رمز فروهر، تحقیق و نوشه دکتر رحیم چاوشی اکبری، ۱۳۶۷.
 ۴. تحلیل هفت‌پیکر نظامی، دکتر محمد معین، ۱۳۳۸.
- درباره عدد دوازده مقاله «رمز و راز رقم ۱۲» داشتنی‌ها، دوره هفدهم، شماره ۷ (فروردین ۱۳۷۵).
- اما درباره عدد سه تاکنون تحقیق جامعی انجام نشده است.
- این نوشه درباره جایگاه عدد سه در آداب و رسوم و مذاهب ایران و شاهنامه فردوسی می‌باشد که در فرهنگ گذشته عددی مقدس به شمار می‌رفته و در فرهنگ ایرانیان باستان جایگاه خاصی داشته، اما کمتر مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است، این عدد نه تنها در ایران؛ بلکه در فرهنگ‌ها و مذاهب دیگر نیز مورد توجه بوده است؛ از جمله:
۱. درباره ساختمان قربانگاه آتش و دایی آمده است که، در این قربانگاه سه آتش وجود دارد. ۱. آتش کانون خانواده به نام «گار هپتیه»، ۲. آتش قربانی که در مراسم خاکسپاری اجساد مردگان برای اهدای اغذیه به طرف جنوب روشن می‌کنند که «انواها ریه پجن» خوانده می‌شود؛ این آتش را «دکش آگنی» یا آتش جنوبی نیز می‌نامند؛ ۳. آتشی که به طرف شرق برمی‌افزویند و آن را آتش خاوری می‌گویند (بورکهارت، ۵: ۱۳۶۹).
 ۲. درباره‌ای آفریقا، یک آشانتی Ashanti، الهه ماه عبارت از سه نفر یعنی دو نفر سیاه و یک نفر سفید است (بهرزادی، ۲۷: ۱۳۷۹).
 ۳. زبانی‌ها به گنجینه‌های سه گانه آینه، شمشیر و گوهر یا حقیقت، شجاعت و ترحم اعتقاد دارند (همان، ۲۸).
 ۴. در نزد اعراب پیش از اسلام، منات Manat یک الهه سه گانه است که سه باکره مقدس یعنی لات، العزی، و المناه را به صورت سنگ‌ها یا ستون‌های یادمانی بدون شکل یا ستون‌هایی که کبوترانی بر فراز آن‌ها بودند نشان می‌دادند (همان).
 ۵. در نزد اهل فلسفه ثلاثیات (اصطلاح فلسفی) اخوان الصفا امروی که در جهان زنجیروار منطبق با عدد سه است بر شمرده‌اند ابعاد ثلاثه که طول، عرض و عمق است. مقادیر ثلاثه یعنی خط، سطح و جسم، زمان ثلاثه مانند ماضی، حاضر و مستقبل. عناصر ثلاثه، ممکن، ممتنع و واجب، علوم ثلاثه، ریاضیات، طبیعتیات، هیأت (سجادی، ۱۶: ۱۳۷۹).
 ۶. در نزد کیمیاگران، سه تایی‌ها عبارتند از: گوگرد، سیماب و نمک که روان و روح و جسم را نشان می‌دهد (همان).
 ۷. درباره معبد مسیحی در انجیل آمده است از سخنان انجیل «عیسی پاسخ داد این خانه را ویران کنید و من آن را در سه روز برا خواهم کرد؛ یهودیان گفتند: ساختن این معبد چهل و شش سال به درازا کشیده است؛ تو چگونه آن را در سه روز بنا می‌توانی کرد؟ اما معبدی که عیسی از آن سخن می‌گفت تنش بود» (بورکهارت، ۶۶: ۱۳۶۹).
 ۸. درباره سرپرستی حضرت زکریا از حضرت مریم آمده است که «چون مریم را به زکریا سپرندند او را در خانه برد و در خانه را قفل زد و برفت.. حق تعالی مریم را بر او فراموش کرد، تا سه روز گذشت، یادش آمد رو به خانه نهاد ...» (اردلان جوان، ۲۲۴: ۱۳۶۷).
 ۹. اعتقاد مسیحیان به ابن، اب و روح القدس.
 ۱۰. روزه حضرت مریم و زکریا سه روز طول کشید.
 ۱۱. سه هدیه مجوسان برای عیسی به عنوان خدا، شاه، قربانی وجود داشته است (بهرزادی، ۲۸: ۱۳۷۹).
 ۱۲. در آیین بودا تری راتنا Tri-ratna سه گوهر گران‌بها یعنی بودا، دهارما، سانگ‌ها بود (همان).

عدد سه در متون کهن ایران به صورت «سه دیگر، سوم، سیم و سوم» دیده می‌شود و بدون تشدید نیز به کار رفته است این عدد مثل عدد هفت جزء عددهای فرد است یعنی جز بر خودش و صفر و یک بر هیج عددی بخشیدن نیست.

بعضی از ایرانیان دوره اسلامی، با پنداری نادرست عدد سه را در گروه عددهای نحس به شمار آوردند، ابونصر فراهی عددهای نحس را چنین برمی‌شمارد:

زان حذر کن تانیابی هیج رنج	هفت روز نحس باشد در مه
بیستویک با بیستوچهار و بیستوپنج	سه و پنج و سیزده با شانزده
(رضایی، ۴۹۰: ۱۳۶۸)	

در بیشتر موارد، این عدد، نزد ایرانیان، نشانه صلاح و کمال و جمع بوده است به همین دلیل در فارسی باستان اسم از نظر شمارش به صورت مفرد، مثنی و جمع به کار رفته است و جمع یعنی بر سه نفر دلالت کند.

مولوی درباره این عدد می‌گوید

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار	این سوم دفتر که سنت شد سه بار
(زمانی، ۲۱: ۱۳۷۹)	

این بیت اشاره به حدیثی از پیامبر(ص) دارد که:

« کان اذا تكلم بكلمة اعادها ثلاثة حتى تفهم عنه و اذا آتى على قومٍ فسلم عليهم ثلاثة و كان اذا دعا، دعا ثلاثة و اذا سأله، سأله ثلاثة » (همان: ۲۳).

در این مقاله نشان داده شده است که این عدد نه تنها نحس نیست بلکه با توجهی که مردم در کاربرد آن در موارد مختلف از جمله آداب و رسوم و مذاهب و مثل‌ها به کار داشته‌اند، بیان‌گر ارزش نیک و بد بودن آن است:

۳. عدد سه در آداب و رسوم ایرانیان

۱. درباره گیاه هوم^۲ و مناسک آن آمده است که:

ایرانیان باستان هوم را در چهار نوبت می‌ساییدند که نمادی از آمدن زرتشت و سه پسر منجی اوست و آب تقدیس شده را در سه نوبت روی آن می‌ریختند که نمادی از سه مرحله ایجاد باران است، یعنی، تبخیر و تشکیل ابر و درهم فشردگی آن به صورت باران و در طول این مناسک سه بار بر هاون می‌کوبیدند که، نمادی برای حضور اندیشه و گفتار و کردار نیک بوده است (هینزل، ۱۸۲: ۱۳۷۵).

۲. در مناسک آتش زرتشیان، سه گروه آتش وجود دارد؛ آتش بهرام، آتش آذوران و آتش دادگاه (همان: ۱۷۹).

۳. در دین زرتشیان کمربند کشی یا کستی را سه بار به دور کمر می‌بندند به نشانه سه باور بنیادی دین مزدا پرستی: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک (دولتخواه، ۱۰۳۳: ۱۳۷۹).

۴. در مراسم جشن سده بسته‌ای خار و هیزم فراهم می‌سازند و هنگام شب موبدان لاله به دست سه بار دور کوهه خار و هیزم می‌گردند و دعا و نیایش می‌خوانند (رضایی، ۴۷۸: ۱۳۶۸).

۵. در زمان ساسانیان روز چهارشنبه‌سوری آتش را به سه کوپه تقسیم می‌کردند و دور آن‌ها را با نام سه فرشته، آسمان، آذر و آبان که فرشتگان مقرب بودند می‌گشتند و می‌پریدند و بعد آتش را به هفت قسم تقسیم می‌کردند (همان: ۴۷۹). و در روایتی دیگر آمده است که تعداد آتش‌ها در روز چهارشنبه‌سوری باید به شماره هفت امساپنداش مقدس و یا به شمار سه نماینده مقدس گفتار و اندیشه و کردار نیک باشد^۳ (یاحقی، ۱۷۱: ۱۳۷۵).

۶. در دوران گذشته مراسم عروسی در سه شبانه روز یا هفت شبانه روز برگزار می‌کردند و هنوز در بین ایل‌نشینان این سنت برقرار است.

۷. ظاهر کردن اشیاء و وسایل با سه بار آب کشیدن و سه بار صلوات فرستادن انجام می‌شود.
۸. جشن نوروز در اصفهان بیشتر وقت‌ها، از سه تا هفت شب‌انه روز ادامه می‌یافتد (نصرالله فلسفی، ۳۱۸/۲).
۹. در سرزمین گیل و دیلم وقتی که عروس به خانه داماد می‌آید سه یا هفت دفعه دور چاه آب حیاط خانه داماد می‌گردد و سکه‌ای در چاه می‌اندازد، گشتن به دور چاه آب را به فال نیک می‌گیرند و در موقع تمیز کردن چاه آن سکه نصیب هر کس شد به عنوان (ته کیسه) در جیب کوچک لباس خود پنهان می‌کند، آن‌ها، معتقدند که داشتن (ته کیسه) شگون دارد (عنصری، ۴۳۰: ۱۳۶۱).
۱۰. درباره قربانی گاو آمده است که در زمان جمشید در مراسم جشن‌ها گاو را قربانی می‌کردند و از واژه «آیین مقدس» که در سیاحت نامه فیثاغورث به کار رفته چنین بر می‌آید که این آیین جنبه مذهبی داشته است با این مضمون «... تا سه روز برای دیدن آیین مقدس می‌ترا مهیا باش این جشن ترا خرسند خواهد داشت...» (برومند سعید، ۶۷۲: ۱۳۶۷).

۴. در فرهنگ و مذاهب باستانی ایران

۱. در نزد ایرانیان باستان اسم از نظر جنس به سه دسته تقسیم می‌شد مذکور، مؤنث و خنثی.
۲. در متون کهن ایرانی درباره جم آمده است که: «چون او را سخن دروغ خوش آمد فرهاش در سه نوبت به شکل مرغی به پرواز در آمد و از پیش او گریخت، نخستین بار مهر آن را بر گرفت، بار دوم فریدون و بار سوم گرشاسب». علت سه بار گریختن فره را بعضی از دانشمندان اعتقاد دارند که نمونه‌ای از ساخت سه گانه جامعه‌ای است که جم بر آن فرمان روایی می‌کرد، یعنی روحانیان، جنگجویان و صنعت‌گران (هینلز، ۵۶-۷: ۱۳۷۵).
۳. در کیش مهرپرستی آمده است که مهر به سبب توجه به راستی به داوری روان پس از مرگ می‌بردازد و گرز خود را هر روز سه بار بر بالای دوزخ می‌گرداند تا دیوان به گناه کاران عقوبتی بیش از آن چه سزاوار آنند تحمل نکند (همان، ۱۲۱).
۴. مهمترین و بزرگترین آتشکده‌های دوره ساسانی سه آتشکده بوده است آذر گشتب، آذر فرنیغ و آذر بزرین مهر (یاحقی، ۳۵-۷: ۱۳۷۵).
۵. ایرانیان قدیم دنیا را به سه بخش تقسیم می‌کردند و نشانه این تقسیم در شاهنامه نمایان است که فریدون سرزمین ایران را به سه قسمت بین ایرج، سلم و تور تقسیم کرد.
۶. در دوران هخامنشیان یعنی از دوره اردشیر دوم به سه ایزد اعتقاد داشتند این سه ایزد به صورت یک مثلث قرار می‌گرفت که در رأس آن اهورامزدا و در دو ضلع آن خدایان می‌ترا و آناهیتا قرار داشتند (گیرشمن، ۱۴۸: ۱۳۷۰).
۷. در نگاره فروهر دو بال افراده (در حال پرواز) وجود دارد که هر بال آن پرهای سه طبقه دارد و تمثیلی از پرواز فروهر انسان با بال‌های اندیشه، گفتار و کردار نیک به سوی موطن ازلی و ابدی است (چاوش اکبری، ۱۳۷۶).
۸. آر. سی. زنر در کتاب زروان یا معماهی زرتشتی‌گری می‌گوید: قطعه‌ای شگفت‌انگیز در روایات فارسی هست که زروان آن را به عنوان خدایی با هفت چهره معرفی می‌کند و می‌گوید: هر چهره را سه چشم باشد، ظاهراً برای هر یک از این هفت چهره نامی و اسمی وجود دارد. هر یک از آن هفت سر این خدای هیولایی شکل سه چشم دارد. پس هر سه باید نشانگر جنبه‌ای متفاوت از این خدا باشد و آن سه چشم سه عملکرد هر جنبه را می‌نمایاند. جالب توجه است که در ماهیت هفتگانه زروان هر کدام از سه قسمت تشکیل شده است:

۱. وجود هستی = فضا، خرد، نیرو.
۲. پیدایش = اشوکار، فرشوکار، زروکار
۳. دادستان = مهر، دادستان، تقدير (مهر، سروش، رشن).
۴. زمان بی کرانه = زمان کرانه مند، بخت رفتاری، مینوی سال.
۵. بخت (تقدير) = بخت، لحظه سرنوشت‌ساز، حکم قطعی.
۶. خوبی و بدی = عزیز دارنده، رقیب، کسی که دارای دو فرمان باشد.
۷. نظام اجتماعی = موبدي، ارتشاری، کشاورزی^۴ (آر. سی. زنر، ۳۵۱: ۱۳۷۵).

۵. توجه به عدد سه در مذهب زرتشت

۱. در دین زرتشت درباره سه فرزند زرتشت آمده است که:
«پیش از آن که زرتشت جفتی بیابد ایزدان فره زرتشت را از دریای کیانسه برای نگاهداری به آبان فره که ایزد ناهید است سپرده اکنون سه چراغ در این دریا به شب می‌درخشد (بهار، ۱۵۰: ۱۳۶۲).»
۲. اختر شماران درباره اختران اعتقاد دارند که هر اختر سه تن دارد چنان‌که تیشرتر (تیر) دارای سه تن است، مردتن، اسبتن و گاوتن (رضایی، ۸۹: ۱۳۶۸).
۳. درباره پیدایش دریاها در اوستا آمده است که:
تیشرتر مدت ده شبانه روز باران آورد و به وسیله خرفستان (حیوانات موذی) زهر در آن ریخته شد و آبها شور گردید، پس باد آن آب را سه روز به سوی زمین باز نشانید و سه دریای بزرگ و سی دریای کوچک به وجود آمد (بهار، ۷۵: ۱۳۶۲).
۴. در اوستا آمده است که جنگ بین تیشرتر (تیر) با دیو خشکی سه شبانه روز به طول انجامید (همان: ۱۱۱).
۵. در اوستا آمده است که چون آفریدگان پدید آمدند برای نگهبانی آن‌ها سروش (سردار جهان) خوش نخفته است هر شب مردم را سه بار در تمام شب بر ضد دیوان راهنمایی می‌کند (همان: ۴۷).
۶. در واپسین دوره چهارم جهان زرتشیتان منتظر سه موعود آینده هستند به نامهای هوشیدر، هوشیدر ماه و سوشیان (همان: ۱۶۲).
۷. کیش زرتشیان بر سه اصل می‌باشد هومت (اندیشه نیک hûmata)، هوخت (گفتار نیک hûxta)، هورشت کردار نیک hûvaršta (رضایی، ۱۴۹: ۱۳۶۸).
۸. در اوستا آمده است که:
جمشید زمین را سه بار با عصای خود که به صورت «اشترا» بوده است فرا بخشید (دولتخواه، ۹: ۶۶۷، ۱۳۷۵).
۹. در پذیرفتن دین زرتشت به وسیله گشتابس آمده است که:
گشتابس پس از قبول دین درخواست که جایگاه خود را در بهشت بداند، آنگاه سه فرشته بزرگ در دربار شاه ظاهر شدند (هینزل، ۱۴۵: ۱۳۷۵).
۱۰. روان انسان پس از مرگ سه شب در گور می‌ماند و روز چهارم می‌رود تا درباره اعمالش داوری شود (همان: ۹۶-۷).
۱۱. در اوستا آمده است که زرتشت از اهورامزاد می‌برسد که خانه‌ای که پدر یا مادر خانواده در آن مرده باشد، چگونه پاک می‌شود؟
اهورامزدا پاسخ داد که با سه بار شستن تن و سه بار شستن جامه و سه بار خواندن گاهان پاک می‌شود (دولتخواه، ۷۹۵: ۱۳۷۵).

۱۲. در اوستا آمده است که زرتشت از اهورامزدا می‌پرسد: چون تابستان سپری می‌شود و زمستان فرا رسید مزدآپستان چه باید بکنند. اهورامزدا پاسخ می‌دهد:

در هر خانه‌ای و هر کویی باید سه «کده» برای نگهداری مردگان سازند (همان: ۷۰۵).

۱۳. در اوستا آمده است «کسانی که به سگ یا پرنده مردارخوار نزدیک شوند برای پاک شدن باید سه گودال در زمین بکنند و ناپاک بر سر آن گودال‌ها تن خوبیش را با گمیز (شاش گاو) بشوید و بعد سه گودال دیگر در زمین بکنند و ناپاک بر سر آن‌ها تن خوبیش را با آب بشوید بعد بر تارک سر او آب بریزند که نخست پا و دستهایش را سه بار با آب بشویند بعد بر تارک او آب بریزند (همان: ۷۵۴).

۱۴. زرتشت از اهورامزدا درباره زنی که کودک مردہ برازید می‌پرسد چه باید بکند. اهورامزدا می‌گوید: باید سه شب با گوشت و نان و شراب زندگی کند و از نوشیدن آب بپرهیزد (همان: ۷۱۵).

۱۵. درباره نیایش در اوستا آمده است که:

ای اهورامزدا من سه بار نماز می‌گزارم (مقصود از سه بار، اندیشه، گفتار و پندر نیک می‌باشد) (همان: ۵۸۹).

۱۶. زرتشت از اهورامزدا می‌پرسد جامه‌ای که با مردار سگ یا مردار آدمی برخورد داشته باشد چگونه پاک می‌شود.

اهورامزدا پاسخ می‌دهد که اگر آن جامه چرمی باشد آن را سه بار با گمیز (شاش گاو) بشویند، سه بار خاک مال کنند، سه بار با آب بشویند و سپس تا سه ماه در هوای آزاد و در کنار پنجره بگذارند (همان: ۷۳۱-۲).

۱۷. به اعتقاد زرتشتیان جهان از سه عنصر آب، آتش و خاک تشکیل شده است (گیرشمن، ۱۵۵؛ ۱۳۷۰) و به همین دلیل مردگان را نمی‌توان سوزاند و در آب غرق کرد و در خاک دفن کرد.

۶. جایگاه عدد سه در مذهب صابئین (پیروان حضرت یحیی)^۵

مذهب صابئین یکی از مذاهب ایران باستان می‌باشد که هنوز پیروان آن‌ها در جنوب کشورهای ایران، عراق زندگی می‌کنند، در این مذهب در مراسم و آئین‌ها به عدد سه توجه زیادی شده است.

۱. در مذهب صابئین هر فرد مندایی باید سه روز در سه بار صبح، ظهر و عصر رشامه^۶ انجام دهد (رضایی، ۴۵۱؛ ۱۳۶۸).

۲. برای وضو گرفتن ابتدا انگشت دست راست را در آب فرو برد و سه بار از راست به چپ به روی پیشانی می‌کشنند، بعد نوک انگشت اشاره دو دست را همزمان در آب فرو می‌برند و به نزدیک گوش‌ها می‌آورند و سه بار این عمل را انجام می‌دهند، سپس با کف دست راست مقداری آب بالا برد و سه بار آن را می‌بویند، بعد با دست راست مقداری آب بر می‌دارند و سه بار در دهان می‌کنند، و بعد با انگشتان دو دست خود زانوها را سه بار مسح می‌کنند و سه بار ساق را با آب مسح می‌کنند (همان).

۳. در مذهب صابئین برای تربیت روحانی، شاگرد باید کتاب انبیانا که سرود مذهبی است به مدت دو ماه روزی سه بار بخواند (همان: ۴۵۵).

۷. عدد سه در آیین مانویان

۱. در آیین مانویان آمده است که پادشاه ظلمت چون نور را مشاهده کرد با همه قدرت خود بر آن حمله برد. پدر عظمت برای دفاع از کشور خود نخستین مخلوق را بیافرید «مادر حیات» که گاهی رام رانوخ می‌نامند و او همان انسان نخستین است که گاهی اوهرمزد نیز می‌خوانند از خود ساطع کرد، پدر عظمت و مادر حیات و انسان نخستین را تثلیث اول می‌گویند (پدر، مادر، فرزند) و انسان نخستین در جنگ با ظلمت هفت بار پدر را به یاری طلبید، پدر برای

نجات او به آفرینش دیگر دست زد دوست روشنایی یا نرسیف ظاهر شد و او بان اعظم (معمار یا سازنده بزرگ) را پدید آورد و به نوبت، روح خود یا روح الحیات را از خود متجلی ساخت و این تثلیث دوم می‌گویند و این که اعتقاد به خدایان هفت‌گانه دارند، مرکب از دو تثلیث و یک خدای واحد است (کریستن سن، ۲۶۹-۲۶۶: ۱۳۷۷).

۲. حکمت عملی مانوی بر قواعدی استوار است؛ قاعده هفت مهر که چهار مهر مربوط به امور معنوی و اعتقادی است و سه مهر متعلق به عمل و کردار است. ۱. مهر دهان (احترام از ادای سخنان کفر آمیز و ناپاک) ۲. مهر دست (اجتناب از عمل که برای انوار زیان آور است) ۳. مهر دل (پرهیز از شهوت و آرزوهای پلید) (همان، ۲۷۸).

۸. عدد سه در مذهب مزدکیان

مذهب مزدکیان یکی از مذاهب باستانی ایرانیان است که در اعتقادات آن‌ها به عدد سه اهمیت خاصی داده شده است:

مزدکیان دنیا را دارای سه عنصر می‌دانند، آب، آتش، خاک که از آمیزش این سه عنصر تشکیلات خیر و شر پدید می‌آید (رضایی، ۳۱۷: ۱۳۶۸).

۹. عدد سه در ترکیبات و کنایات

۱. سه اقnom: در نزد نصارا عبارت از ظهورات باری تعالی است که عبارت است از اقnonم وجود، اقnonم علم و اقnonم حیات که نه عین ذاتند و نه زائد بر ذات (دهخدا، ۱۳۸۵۳/۹: ۱۳۷۷).

۲. سه پور، موالید ثلث، سه شاخ، سه حمال: عبارت از حیوان، نبات و معدن است (همان).

۳. سه خال باز: کنایه از مکار و محیل است (همان).

۴. سه طلاق گفتن: برای همیشه ترک آن کار کردن (همان، ۱۳۸۵۴).

۵. سه مرتبه: عبارت از دوران طفیلی، جوانی و پیری است (همان).

۶. سه اسبه: کنایه از تعجیل و شتاب کردن است (همان).

۷. سه گانه: کنایه از سه جام شراب است که ثلثه غساله گویند (همان، ۱۳۸۵۸).

۸. سه گاه: نام نوایی از موسیقی است.

۹. سه لب: کسی که لب شکری باشد، آن که یکی از دو لب زیرین یا زبرین او شکافته مادرزاد باشد (همان، ۱۳۸۹).

۱۰. سه جمره: جمرات ثلثه، سه بار سنگاندازی در مناسک حج (همان).

۱۱. سه پایه هوایی: کنایه از ستاره نسر است (همان، ۱۳۸۵).

۱۲. سه جاده: ابعاد ثلثه است که طول و عرض و عمق باشد به اصطلاح سالکان شریعت، طریقت و حقیقت می‌باشد (همان، ۱۳۸۵).

۱۳. سه قبله: عبارت از قبله یهود، نصارا و مسلمانان است (رامپوری، ۴۹۲: ۱۳۶۳).

۱۴. سه قرفه: سه کتاب است در مذهب ترسایان و در شرح خاقانی نوشته که نزد نصارا سه نوع شراب است چنان که در قرآن مجید هم سه شراب است شراب طهور شراب زنجبل و شراب سلسیل (همان).

۱۵. سه خواهر، سه دختر: کنایه از سه ستاره می‌باشد که در بنات النعش کنار هم هستند (همان، ۴۹۳).

۱۶. سه ارواح: یعنی روح طبیعی، حیوانی و نفسانی (سجادی، ۸۶۵/۲: ۱۳۷۴).

۱۷. سه دامن: نوعی از قبا با چاک‌های دراز، در شرح خاقانی نوشته، جامه حریر که سه چاک دارد از پیش و یک از قفا، این جامه مخصوص رقا صان است (همان، ۸۶۷).

۱۸. سه سر هنگ: کنایه از آفتاب، مریخ و زحل است (همان، ۸۶۸).
۱۹. سه تار، سه تا: طنبوری را گویند که به آن سه تار بسته باشد (همان، ۸۶۶).
۲۰. سه خوان: جماعتی که به اب، ابن و روح القدس اعتقاد دارند (همان).
۲۱. سه نوبت زدن: سه وقت تهجد، اشراق و چاشت نقاره زدن در قدیم (همان، ۸۷۲).
۲۲. سه زخم: سه بار انداختن طاس نرد (همان، ۸۶۸).
۲۳. سه ایوان دماغ: کنایه از محل فکر، خیال و حفظ باشد (برهان، ۲/۱۱۹۴: ۱۳۶۲).
۲۴. سه ظلمت: کنایه از تاریکی صلب و تاریکی شکم و تاریکی زهدان مادر است (همان، ۱۱۹۶).
۲۵. سه علم: کنایه از علم الهی، طبیعی و ریاضی است (همان).
۲۶. سه پره، سه پرک، سه درک: خطی چند باشد که قمار بازان به جهت قمار بازی بر زمین می‌کشند (همان).
۲۷. سه ضربه زدن: اصطلاح کشتی‌گیران است یعنی آن که کسی را سه مرتبه بر زمین زنند (معین، ۲/۱۹۶۲: ۱۳۶۴).

۱۰. عدد سه در مثل‌های رایج

۱. سه رابه نه زدن: سه ماه سال را برای آسایش نه ماه دیگر زراعت کردن (دهخدا، ۹۹۷/۲: ۱۳۷۶).
۲. سه کاه به دو جو: در معنی سر به سر، این به آن (همان، ۹۹۸).
۳. سه ماه می خور و نه ماه پارسا باش (همان).
۴. سه میش تو خورده میشه، داستان من گفته میشه (همان).
۵. تا سه نشود بازی نمی‌شود.

۱۱. جایگاه عدد سه در شاهنامه فردوسی

شاهنامه فردوسی تنها دفتر شعر فارسی نیست بلکه مهمترین سند ارزش و عظمت زبان فارسی و روشنترین گواه شکوه و رونق فرهنگ و تمدن دیربای ایرانی است. شاهنامه فردوسی سرگذشت نامه ملتی است در طول قرون و نمودار فرهنگ و اندیشه و آرمان‌های کهن آنان است، و در حقیقت منبع مطمئنی است برای کسی که بخواهد با فرهنگ غنی ایرانی آشنا شود، در این کتاب نمودهای فرهنگی و آداب و رسوم ایرانیان کهن به تصویر کشیده شده است، از جمله عدد سه که در نظر ایرانیان مقدس می‌باشد و در موضوعات مختلف روز، بزم و موارد دیگر به کار برده است.

۱. کاربرد عدد سه در ابیات رزمی (فردوسی، ۱۳۶۳)

درفتح نامه متوجه نزد فریدون
سه جنگ گران کرده شد در سه روز
چه در شب چه در هور گیتی فروز
(ج: ۹۶/۱، ب: ۹۸)

در داستان رسیدن زال به مدد مهراب
بینداخت سه جای سه چوبه تیر
برآمد خردوشیدن داروگیسر
(ج: ۲۱/۱، ب: ۴۳۴)

در خوان ششم جنگ رستم و ارژنگ دیو
چکانی سه قطره به چشم اندرون
شود تیرگی پاک با خسون برون
(ج: ۲۶۸/۱، ب: ۵۸۵)

۴. در رزم کاووس با شاهان ماوران همین راند تا در میان سه شهر ز گیتی برین گونه جویند بهر
(ج: ۳۸، ب: ۵/۲)
۵. در داستان تاختن افرازیاب بر ایران زمین به جنگ اندرон بود لشکر سه ماه بدادند سرها ز بهر کلاه
(ج: ۲۰۲، ب: ۱۱/۲)
۶. در لشکر کشیدن سیاوش به سوی افرازیاب سه جنگ گران کرده شد در سه روز چهارم سیاوخش گیتی فروز
(ج: ۱۲۷/۲، ب: ۶۹۴)
۷. در نامه سیاوش به کاووس سه روز اندر آن جنگ شد روزگار و همچنین در :
ج: ۲، ص: ۱۲۹، ب: ۲۳۷. ص: ۲۳۲، ب: ۳۵۰. ص: ۲۶۳، ب: ۱۰۸۳. ص: ۳۲۱، ب: ۹۵۶.
ج: ۳، ص: ۲۳، ب: ۴۶۲. ص: ۲۹، ب: ۶۱۵. ص: ۲۳، ب: ۴۶۲. ص: ۳۹، ب: ۸۶۸. ص: ۳۹، ب: ۸۷۱.
ج: ۳، ص: ۱۱۶، ب: ۱۰۷۸. ص: ۱۳۸، ب: ۶۶. ص: ۱۳۹، ب: ۲۲۱. ص: ۸۱، ب: ۳۴۹. ص: ۲۷۲، ب: ۱۵۶۳.
ج: ۳، ص: ۲۷۹، ب: ۱۷۴۵. ص: ۲۹۷، ب: ۲۱۵۶. ص: ۳۰۳، ب: ۲۱۷۸.
ج: ۴، ص: ۱، ب: ۱۱۳. ص: ۱، ب: ۱۱۷.
ج: ۵، ص: ۷، ب: ۸۳. ص: ۲۶، ب: ۱۳۴. ص: ۳۸، ب: ۱۷۹.
۱۱. کاربرد عدد سه در بیت‌های بزمی در شاهنامه
۱. در داستان رسیدن زال به نزدیک سام یکی بزم سام آنگه‌ی ساز کرد
سه روز اندرین بزم بگماز کرد
(ج: ۱۷۴/۱، ب: ۶۳۸)
۲. در باز آمدن گرسیوز نزد سیاوش: سه روز اندرین گلشن زرنگار
بیاشیم و از باده گیریم کار
(ج: ۲۱۳۰، ب: ۱۸۹/۲)
۳. در جنگ رستم با کافور آدمخوار: از آن پس چنین گفت کاید سه روز
بیاشیم شادان و گیتی فروز
(ج: ۲۲۱، ب: ۱۴۵/۳)
۴. در آمدن بیژن به خیمه منیزه: سه روز و سه شب شاد بودند به هم
گرفته برو خواب و مستی ستم
(ج: ۲۵۷/۳، ب: ۱۵۷)
۵. در خوان دوم اسفندیار: سه جام میش داد و پرسش گرفت
که اکنون چه گسویی بینم شگفت
(ج: ۱۶۳۹، ب: ۲۴۹/۴)
۶. در خوان سوم اسفندیار: سه جام از می لعل خامش بداد
چو اهرمن از جام می گشت شاد
(ج: ۱۶۶۴، ب: ۲۵۰/۴)

۷. در خوان پنجم اسفندیار:
سه جام از می خسروانی بداد
بید گرگسار از می لعل شاد
(ج: ۲۵۵/۴، ب: ۱۷۷۵)
- و همچنین در ابیات زیر آمده است:
ج: ۳، ص: ۱۷۹، ب: ۷۶۷. ص: ۱۸۰، ب: ۷۸۳.
ج: ۴، ص: ۵۷، ب: ۱۸۲۳. ص: ۳۲۲، ب: ۳۳۶۹.
۸. جایگاه عدد سه در بیت‌های متفرقه در شاهنامه فردوسی
۱. در داستان خواب دیدن ضحاک فریدون را:
سه روز اندر آن کار شد روزگار
سخن کس نیارست کرد آشکار
(ج: ۳۸/۱، ب: ۸۶)
۲. در داستان فریدون با وکیل ضحاک:
سه مردی سرافراز بالشکری
فراز آمدند از دگر کشوری
۳. در آمدن زال با نامه سام نزد منوچهر:
سه روز اندر آن کارشان شد درنگ
برفتند با زیج هندی به جنگ
(ج: ۱، ص: ۱۶۵، ب: ۱۴۰۴)
۴. در داستان آمدن سام به دیدن رستم:
سه منزل برفتند و گشتند باز
کشید آن سپهبد به راه دراز
(ج: ۱، ۱۸۲/۱، ب: ۱۸۱۲)
۵. در داستان گرفتن رستم رخش را:
سه سال است تا این به زین آمده است
به چشم بزرگان گزین آمده است
(ج: ۱/۱، ۲۲۵، ب: ۲۱۱۰)
۶. در داستان هفت خوان رستم (خوان سوم)
سوم ره به خواب اندر آمد سرش
ز بیر بیان داشت پوشش سرش
(ج: ۱/۱، ۲۶۰، ب: ۳۸۴)
۷. در رزم کاووس با شاهان ماوران
همی راند تا در میان سه شهر
ز گیتی بر اینگونه جویند بهر
(ج: ۲/۵، ب: ۳۸)
۸. در داستان زدن سهراب از مادرش تهمینه
سه یاقوت رخشان و سه بدراه زر
کز ایران فرستاده بودش پدر
(ج: ۴۲/۲، ب: ۱۵۲)
۹. در داستان به زن دادن پیران دختر خود را به سیاوش
پس پسرده شهریار جوان
سه اندر شبستان گرسیوزند
همچنین در ابیات زیر این عدد به کار رفته است:
- سه ماه است با زیور اندر نهان
که از مام و از باب با پرورزند
(ج: ۱۶۲/۲: ۱۳-۱۵۱۱)

- ج: ۱، ص: ۳۷۴، ب: ۷۱۸. ص: ۱۶۷، ب: ۱۶۷. ص: ۱۸۵، ب: ۲۰۴۲. ص: ۱۹۳، ب: ۲۲۳۷.
- ج: ۲، ص: ۱۹۵، ب: ۲۲۷۲. ص: ۲۰۶، ب: ۲۵۴۹.
- ج: ۳، ص: ۳۶، ب: ۷۸۱. ص: ۳۷، ب: ۸۰۶. ص: ۱۸۵.
- ج: ۴، ص: ۴۷، ب: ۱۵۸۱. ص: ۲۶۰، ب: ۱۸۳۹. ص: ۲۶۳، ب: ۱۹۷۲. ص: ۲۷۹، ب: ۲۳۵۷.
- ج: ۴، ص: ۲۸۲، ب: ۲۴۴۴. ص: ۳۲۴، ب: ۲۶۴۵.
- ج: ۵، ص: ۱۰، ب: ۱۵۸. ص: ۱۳، ب: ۶۳.

۱۲. نتیجه‌گیری

عددها مقوله‌ای است که انسان از دیرباز در طول زندگی از آن بهره برده و با گذشت زمان نسبت به آن‌ها باورهای خاصی پیدا کرده است.

نگارنده در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که، بعضی از عددها از جمله عدد سه، برای مردم جایگاه خاصی دارد و در این مقاله با توجه به شواهد متعدد از فرهنگ‌ها و آیین‌های ملل مختلف به ویژه مردم ایران، نشان داده‌ایم که این عدد در زمرة عده‌های مقدس است و دیگران کمتر به آن اشاره کرده‌اند.

یادداشت‌ها

۱. در ایران باستان جشن نوروز شش روز بوده و در آیین و تقویم مذهبی زرتشتیان ۱۹ فروردین که جشن زمزمه برقرار می‌شده است مربوط به فروهران در گذشتگان و فرور دینگان بوده است و غیر از این، به جز روز ششم که سالروز تولد زرتشت و برگزیدگیش به پیامبری است، جشنی در فروردین نبوده است، شاید عدد سیزده از اروپا (فرانسه) سرایت کرده است، نزد شیعه و در اخبار منسوب به امام صادق (ع) روز سیزده در تمام ماههای سال قمری جزو روزهای نحس تلقی می‌شود و ظاهر آن است که این امر نیز اسباب مزید اصرار عامه در حفظ مراسم سیزده بدر بوده باشد، شاید هم به مناسبت این روز با تیر یا تیشرت، ایزد و ستاره باران، مردم برای نیایش و درخواست باران برای کشاورزی بیرون می‌رفتند و شاید هم چون می‌بايست کارهای کشاورزی را آغاز کنند، جشن توید رفتن به مزرعه بوده است (اورشیدری، ۳۲۹: ۱۳۷۰).

مراسmi که در این روز انعام می‌شود معانی اساطیری دارد؛ شادی و خنده در این روز به معنی فرو ریختن اندیشه‌های تیره و پلیدی است و روبوسی و معانقه نماد آشتب و به معنی تزکیه است، خوردن غذا در دشت، نشانه فدیه گوسفند بریان است که در اوستا آمده است، به آب افکنند سبزه‌های تازه رسته، نشان دادن فدیه به ایزد آب یا «ناهید» است و گره زدن سبزه برای باز شدن بخت، تمثیلی از پیوند زن و مرد برای تسلیل نسل‌هاست، رسم مسابقات برد و باخت به ویژه اسب دوانی، یاد آور کشمکش ایزد باران و دیو خشکسالی است (یاحقی، ۲۶۵: ۱۳۷۵).

۲. هوم گیاهی است از تیره گنتاسه که جزو تیره‌های نزدیک به محروم‌طیان است، در تداول عامه این گیاه را ریش بز می‌گویند، آریاییان قدیم گیاه هوم را مقدس می‌دانستند (معین، ۲۲۷: ۱۳۶۴).

۳. سوری به معنی سرخ است و بدان جهت نام این جشن را چهارشنبه‌سوری گذاشته‌اند که در آن، آتش سرخ برافروخته می‌شود، ایرانیان را رسم بر این بوده است که پیش از نوروز و ده روز مانده به آخر سال (پنج روز پایان اسفند و پنج روز پنجه وه) را برای شادی فروهر در گذشتگان، مراسmi با نیایش و گسترش سفره و آتش افروزی بر پا می‌کرند، ناگزیر، روزی که برای استقبال از آغاز سال آتش می‌افروختند و شادی می‌کردند بیرون از این ده روز نبود. شک نیست که افتادن این آتش افروزی به شب آخرین چهارشنبه سال، مربوط به پس از اسلام است، زیرا در ایران باستان هفته نبوده و آن‌ها شبه و آدینه، نداشتند، چون نزد اعراب روز چهارشنبه روز شوم و نحسی بوده است، بنابراین برای رفع نحس اقداماتی می‌کردند، چهارشنبه سوری جزو جشن‌های ایرانیان باستان نیست، عده‌ای معتقدند که این مراسم در سیصد و شصتمین روز سال یعنی آغاز جشن گاهنبار همسپتمدم (Hamaspatmadam) یعنی روز بیست

و ششم اسفندماه برگزار می‌شد و معتقد بودند که در این روز فروهرهای نیاکان به زمین فرود می‌آیند و این آتش برای راهنمایی آن‌هاست، در برخی از شهرهای ایران، مراسم چهارشنبه سوری، محتواهای اسلامی یافته و در چهارشنبه آخر ماه صفر برگزار می‌شود و می‌گویند که مختار ثقیل می‌خواست، روز پنجشنبه آخر صفر، برای انتقام از قاتلین امام حسین (ع) قیام کند، اما، شروع قیام خود را یک روز جلو انداخت و برای این که شیعیان با خبر شوند و یا شیعه و سنی از هم جدا شوند، گفت که یارانش بر بامها آتش بیفروزند (یاحقی، ۱۳۷۵، ۱۷۱؛ اورشیدی، ۳۲۳، ۳۲۰؛ ۱۳۷۰).

۴. زروان: چند بار زروان، در ردیف دیگر ایزدان نام بردۀ شده و از آن فرشته زمانه بی‌کرانه اراده شده، اغلب زروان با صفات «کرانه» (بی‌کرانه) و «درغوغخو ذاته» «آمده که در مینو خرد پازند» «زروان درنگ خدای» و در رساله پارسی، علمای اسلامی به «درنگ خدای» تعبیر شده است... در زاد سپرم فصل ۱ بند ۲۴ زروان صراحت آفریده اهورامزدا محسوب شده در جمله‌هایی از اوستا که از زروان یاد شده، او را فقط در ردیف ایزدان دیگر آورده در خور نیایش خوانده‌اند ... (دهخدا، ۱۲۸۴۶/۹؛ ۱۳۷۷).

جهت اطلاع بیشتر درباره «زروان» به کتاب ایران در زمان ساسانیان صص: ۲۲۰ الی ۲۲۶ مراجعه شود.

۵. صابی، کلمه کلدانی است به معنی شوینده، و صابئین چون همیشه در کنار نهرها و آب‌ها جای دارند و خود را بسیار می‌شویند، بدین نام خولانه می‌شوند و در خوزستان هنوز مردمی بر ساحل کنار کارون هستند که آنان را مفترسله می‌نامند و آن ترجمه لفظ صابئی است (دهخدا، ۱۴۷۳۸؛ ۱۳۷۷).

۶. رشامه، پاک کردن بدن برای بربا داشتن برآخه (نماز) است (رضایی، ۴۵۱؛ ۱۳۶۸).

منابع

اردلان‌جوان، سیدعلی. (۱۳۶۷). *تجلى شاعرانه‌های اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی*. مشهد: آستان قدس رضوی.

افشار، ایرج. (۱۳۵۷). *مقالات تقی زاده*. جلد دهم، گاه شماری در ایران قدیم، تهران: شکوفان.

اورشیدی، جهانگیر. (۱۳۷۰). *دانشنامه مژدیستا*. تهران: نشر مرکز.

برهان، محمد حسین بن خلف تبریزی. (۱۳۶۲). *برهان قاطع*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

برومند سعیدجواد. (۱۳۶۷). *نوروز جمشیدی*. چیستا، دوره پنجم، ۸-۹، ۶۸۳-۶۶۰.

بهار، مهرداد. (۱۳۶۲). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: انتشارات توسعه.

بهزادی، رقیه. (۱۳۷۹). *مفهوم برخی از عده‌ها در اساطیر و نزد اقوام کهن*. کتاب ماه-هنر، ۲۷-۲۸، ۲۶-۲۸.

بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۹). *هنر مقدس (اصول و روشها)*. ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.

چاوشی اکبری، رحیم. (۱۳۷۶). *هفت رمز فروهر*. به نقل از کتاب هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری تألیف زهره والی، انتشارات اساتید. (۱۳۷۹).

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۶). *امثال و حکم*. جلد دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

_____ (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

دولتخواه، جلیل. (۱۳۷۵). *اوستا*. تهران: انتشارات مروارید، چاپ سوم، ج: ۲.

رامپوری، غیاث‌الدین محمدبن جلال‌الدین بن شرف‌الدین. (۱۳۶۳). *غیاث اللغات*. به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.

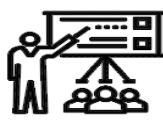
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۶۸). *اصل و نسب و دین‌های ایران باستان*. تهران: طلوع آزادی.
- زمانی، کریم. (۱۳۷۹). *شرح متنوی*. تهران: اطلاعات، ج: ۳.
- زنر، آر. سی. (۱۳۷۵). *زروان (معمای زرتشتی گری)*. ترجمه تیمور قادری. به نقل از کتاب هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری تألیف زهره والی، استادی. (۱۳۷۹).
- سجادی، سید ضیاءالدین. (۱۳۷۴). *فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی*. تهران: زوار.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۹). *فرهنگ معارف اسلامی*. تهران: کومش.
- عناصری، جابر. (۱۳۷۶). دردانه‌های خلوت اهورایی، چیستا، دوره پانزدهم، ۱۲۸، ۷۵-۸۴.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳). *شاهنامه*. تصحیح ژول مول، ترجمه جهانگیر افکاری. تهران: اپ سوم.
- کاسییر، ارنست. (۱۳۶۰). *فلسفه و فرهنگ*. ترجمه بزرگ نادر زاد، تهران: مرکز مطالعه فرهنگها، چاپ نخست.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۷). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گیرشمن، رمان. (۱۳۷۰). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- نشاط، سید محمود. (۱۳۶۸). *شمار و مقدار در زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- هینزل، جان. (۱۳۷۵). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار، احمد تقاضی، تهران: نشر آویشن، چشمۀ ایران.
- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. تهران: سروش، چاپ دوم.



سرвис های
ویژه



سرвис ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

ترنکه آموزش



اصول تنظیم قراردادها

ترنکه آموزش



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله
در تدوین و چاپ مقاله

ترنکه آموزش